

■ **حضرت امیر المؤمنین علی؛**

در پی سرعت عمل مبانی، بلکه به دنبال خوب انجام دادن آن باش.

■ **اذان ظهر:** ۱۱:۵۱ ■ **غروب آفتاب:** ۱۷:۲۶
■ **اذان مغرب:** ۱۷:۵۴ ■ **نیمه شب شرعی:** ۲۳:۱۰
■ **اذان صبح فردا:** ۴:۴۴ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۶:۰۷

■ **صاحب امتیاز:** مؤسسه همشهری
■ **مدیر مسئول:** عبدال.. گنجی
■ **مدیر:** دربزرگ دانیال معمار

■ **پدیرش آگهی:**
■ **تلفن:** ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ **توزیع و اشتراک:**
■ **موسسه نشرگستر امروز نیون**
■ **تلفن:** ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ **چاپ: همشهری**
■ **تلفن:** ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ **دفتر مرکزی:** تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴
■ **کدپستی:** ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶
■ **کرج، صندوق پستی:** ۱۹۳۵۵۵۴۴
■ **تلفن:** ۳۳۰۳۳۰۰۰
■ **نمابر:** ۰۶۷-۲۲۰۴۶۰۶۷

■ **همشهری:** www.hamsharionline.ir
■ **سایت روزنامه:** newspaper.hamshahrionline.ir

تولید: دانش‌نیان، اشتغال آفرین

■ **دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱**
■ **سال سی‌ام**
■ **شماره ۸۰۸**

صلاح کجا و من خراب کجا
بین تفاوتِ ره کز کجاست تا به کجا

حافظ

صفحه
آخر

همشهری

خشکی به اسکاتلند رسید



گریبنویچ

تغییرات اقلیمی، چنان بلایی بر سر کره زمین آورده است که برخی ویژگی‌های سنتی و تاریخی برخی کشورها، در حال از بین رفتن هستند. اسکاتلند، یکی از این کشورهاست، سرزمینی که در داستان‌ها و فیلم‌ها و تصاویر پرتر بودن و پر آب بودن از آن برداشت می‌شود، حالا اوضاع بدی دارد. در واقع اوضاع آنقدر بد است که این کشور، برای چهارمین بار در ۶ سال اخیر، تمام برف‌هایش را از دست داده است. منطقه اسفینکس در اسکاتلند، که به‌صورت تاریخی به‌خاطر حفظ برف‌هایش در تمام سال شهرت دارد، چند سال پیش برای نخستین بار بعد از مدتی طولانی تمام برف‌هایش را در تابستان از دست داد. برخی می‌گفتند این مسئله استثناست اما امسال، برای چهارمین بار در ۶ سال گذشته، تمامی برف‌های این منطقه ذوب شده است. این در حالی است که این منطقه، در ۳ قرن اخیر تنها ۹ بار شاهد ذوب شدن تمامی برف‌هایش در تابستان بوده است.

رکوردهشکنی تاریخی



رکوردهای زیادی در ورزش هستند که دهه‌هاست ورزشکاران را وسوسه می‌کنند و آنها را به خویش می‌خوانند. یکی از آنها، رکورد یک ساعت رکاب زدن در دوچرخه‌سواری است که شکستن آن، اعتبار زیادی برای دوچرخه‌سواران به همراه خواهد داشت. این رکوردها گاهی چند دهه دست‌نخورده می‌مانند اما ممکن است به یکباره مورد توجه زیادی قرار بگیرند. رکورد جهانی یک ساعت رکاب زدن یکی از آنهاست که در همین یک دو ماه اخیر، ۲ بار شکسته شده است. دیروز، فیلیپو گانا، دوچرخه‌سوار ایتالیایی توانست در یک ساعت، مسافت ۵۶ کیلومتر و ۹۲متر را رکاب بزند که رکورد جدیدی به‌شمار می‌رود. این رکورد، همین میانه تابستان توسط دان بیگهام می‌تیمی او شکسته شده بود؛ بیگهام در یک ساعت، ۵۵ کیلومتر و ۸۴متر رکاب زده بود. این رکوردگیری با یک دوچرخه مخصوص انجام شده است.

یافتن حلقه در دل توفان



توفان ایان در آمریکا، زندگی میلیون‌ها نفر را به هم ریخته و چنان شهرهای کالیفرنیا را گرفتار و آشفته کرده که احتمالا هفته‌ها و ماه‌ها طول خواهد کشید تا اوضاع به روال عادی برگردد. با این حال، توفان، دست‌کم برای یک نفر، فایده داشته است؛ خانم اشلی گارنر چند روز قبل از توفان، حلقه ازدواجش را گم کرده بود و چند روز تمام خانه و زندگی‌اش را زیرورو کرده بود تا این داریی عز یسر را پیدا کند. اما تمام تلاش‌هایش بیهوده بود. نه‌او، و نه تیم جست‌وجویش؛ متشکل از همسر و ۳ فرزندش نتوانسته بودند ردی از حلقه پیدا کنند و خانم گارنر دیگر پذیرفته بود که این نشان شیرین ازدواج پایدارش، برای همیشه گم شده است. با این حال وقتی توفان به شهرشان زد، دیگر به این مسئله فکر نمی‌کرد. آنها وقتی توفان محله‌شان را در نوردید در خانه ماندند و بعدا که هوا صاف و آرام شده، برای تمیز کردن به هم‌ریختگی شدید حیاط، این‌بار تیم اوربرداری تشکیل دادند. همسر خانم گارنر، در حال جابه‌جایی شاخه‌های شکسته درخت بود که چشمش به یک چیز براق افتاد و وقتی دقت کرد حلقه همسرش را پیدا کرد. خبر پیدا شدن حلقه، در شرایطی که توفان زندگی میلیون‌ها نفر را به هم ریخته، مایه دلگرمی خیلی‌ها شده و بازتاب زیادی داشته است.

نگاه

عکس‌های بی‌نظیر لسورن پایه‌ستا از عمق اقیانوس منجمد شمالی، نه‌تنها مناظر بدیعی از این خلوتگاه‌های بکر طبیعت را به جهان بیرون داده که باعث شده تا برخی گونه‌های جدید موجودات هم کشف شوند. البته تلاش‌های شگفت‌انگیز او و غوص‌های خطرناکش به عمق دریا‌های یخ‌زده، باعث شده است تا مجموعه عکس‌های او از دریا‌های شمالی، جایزه مسابقه «عکاس سال طبیعت» را برای این عکاس به همراه داشته باشد.

رئیس هیأت داوران این مسابقه، گفته است که هیچ عکاسی پیش از این نتوانسته چنین «جعبه گنجی» را، آن هم فقط از اقیانوس منجمد شمالی، دور هم گرد آورد.

پایه‌ستا که زیست‌شناس و عکاس حرفه‌ای زیر آب است، ۲ سال را صرف عکاسی از اعماق اقیانوس منجمد شمالی کرده است. او در مجموع ۳۲بار به دل آب‌های سرد اقیانوس منجمد شمالی زده است که یکی از این غوص‌ها، عمیق‌ترین و طولانی‌ترین اکتشاف زیرآبی در این اقیانوس به‌شمار می‌رود. او تجربه زدن به دل آب‌های اقیانوس منجمد شمالی را با رفتن به غار مقایسه کرده است؛ «درست مثل این است که به دل یک غار تاریک

و ترسناک بروید. با این تفاوت بزرگ که شانس گم شدن در اینجا، به مراتب بیشتر است.» مجموعه عکس او با نام زیر یخ اقیانوس منجمد شمالی، تنوع زستی شگفت‌انگیز در دل آب‌های سرد شمال کره زمین را آشکار کرده است.

او در این‌عکس‌ها، چند گونه جدید زستی از جمله یک گونه اژدهاماهی را ثبت کرده است. او گفته ثبت عکس این موجودات، به شدت سخت بوده است. او برای ثبت عکس این ماهی خاص، از یک شکاف در یخ‌های شرق اقیانوس به زیر آب رفته و ساعت‌ها در آب‌های منجمدکننده مانده تا موفق به ثبت این موجود عجیب شود. دمای آب در بسیاری از سفرهای او به زیر دریا، حدود یک درجه سانتی‌گراد بوده و پایه‌ستا گفته است که بارها چنان درد و ناراحتی‌ای را تجربه کرده که می‌خواستہ کارش را نیمه‌کاره رها کند.

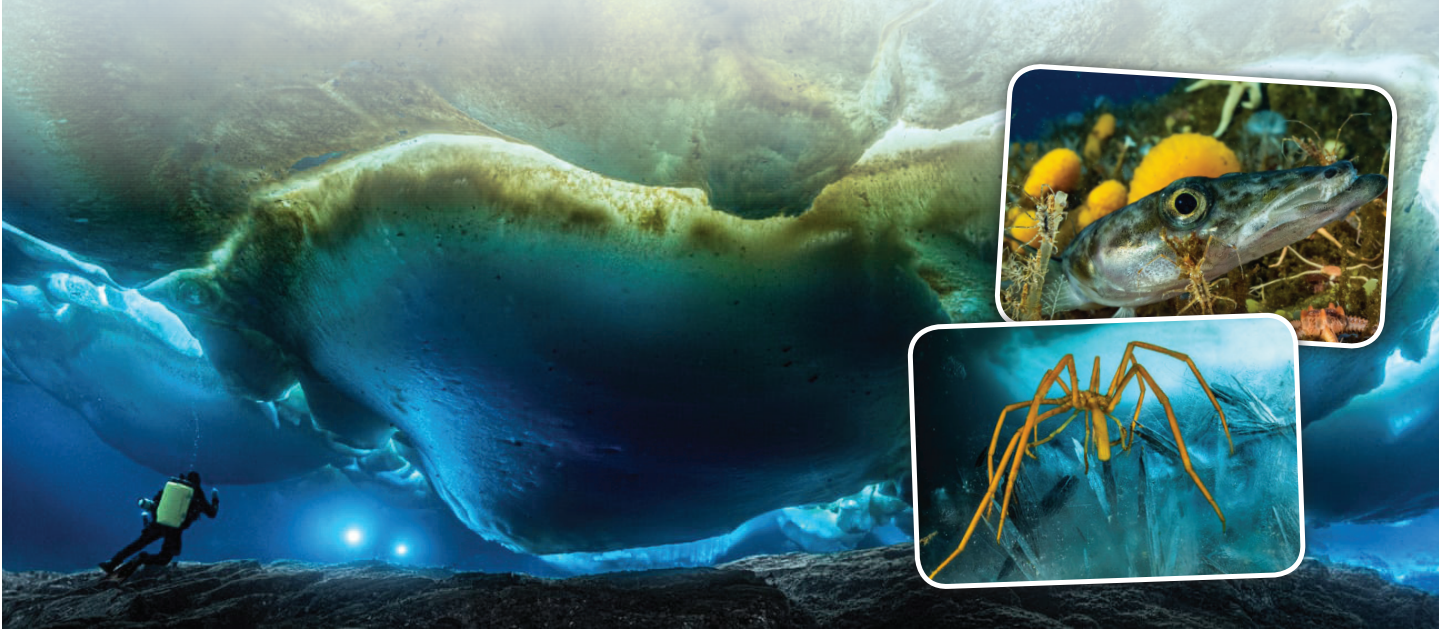
موجوداتی که در اقیانوس منجمد شمالی زندگی می‌کنند، دچار پدیده‌ای به‌نام گیگانتسم قطبی هستند و به همین‌خاطر، در مقایسه با خویشاوندان خود در دیگر نقاط زمین، از اندام‌های بزرگ‌تری برخوردار هستند و عملا در مقایسه با آنها،

عظیم‌الجثه به‌شمار می‌روند؛ درست مثل یک عنکبوت دریایی در این اقیانوس که به‌خاطر بزرگی، اندام‌های داخلی‌اش، در پاهایش قرار دارند. پایه‌ستا در این مجموعه، عکس‌های بی‌نظیری از این عنکبوت گرفته است.

او پیش از این هم به‌خاطر عکس‌هایش از زندگی زیر دریا، برنده این جایزه شده است. او سال گذشته(۲۰۲۱) این جایزه را از آن خود کرده بود. او و تیمش، ۵سال را در آب‌های فاکراوا در پلیزی فرانسه سپری کرده بودند تا استتار گروهی موجودات زیردریایی را به تصویر بکشند.

موزه طبیعی لندن، برای انتخاب بهترین‌های خود در رقابت عکاسی طبیعت، کاری بسیار بزرگ و فشرده دارد و برنده را از بین ده‌ها عکاس سرشناس انتخاب می‌کند. در مسابقه سال گذشته، ۵۰هزار عکس از ۹۵کشور به این موزه فرستاده شده بود تا در رقابت شرکت کند.

روز کیدمن کاکس، رئیس هیأت داوران جایزه، درباره انتخاب مجموعه عکس‌های پایه‌ستا از زندگی زیر آب در اقیانوس منجمد شمالی گفته است: «فنا و تنوع این مجموعه عکس زیرآبی واقعا فوق‌العاده است.»



بوک مارک

شاهکار

خوشبختی در نظر تو طبیعا تنها در این می‌تواند باشد که مقدار زیادی کار بیرون

بدهی، کارهایت را ببینند، تحسین کنند یا از آن بد بگویند. خب، پذیرفته شدن در سالن، وارد شدن در گر دوغبار میدان نبر، و تصاویر دیگری کشیدن و بعد به من بگو همین کافی است؟ اگر چنین شد آخر سر تو راضی می‌شوی؟ گوش کن. کار همه وجود مرا در اختیار خود گرفته است. ذره‌ذره مرا از مادرم، از همسر و از همه‌چیزهایی که دوستشان دارم گرفته است. مثل کرمی که در کاسه سر آدم بیفتد، مغز را بخورد، راهش را به تنه و اندام‌ها باز کند و سراسر تن را بخورد. لحظه‌ای که صبح از رختخواب بیرون می‌آیم، کار در من چنگ می‌اندازد و بی آنکه مجالم بدهد تا نفسی تازه کنم بر پشت میز میخکوبم می‌کند.

دیالوگ

زندگی مشترک آقای محمودی و بانو

محدثه: جریان چیه؟
رامتین: مسن قبلا ازدواج کردم ولی الان تو کش‌وقوس طلاقی.
محدثه: بچه‌ما دارین؟
رامتین: نه، اصن زیر به سقف زندگی نکردیم.
محدثه: پس چرا جدین؟
رامتین: به درد هم نمی‌خوردیم.
ساناز: تو دیدیش من به دردت بخورم؟
رامتین: تو دیدیش... به من مومود؟
ساناز: آره... چش بود؟
رامتین: از این زنايي که از صب تا ششب تو آشپز خونم...من زن می‌خوام یا باشه باهام.
ساناز: من باهاش بام، ولی مشکل اینه که اخلاق زن تو آشپز خونهر و ندارم. چیزی که تو می‌خوای سشتر، گاو، پلنگه؛ ششمان ز امروز می‌خوای با روحیات زن دیروز.
رامتین: احترام جزء روحیات زن دیروزه؟
ساناز: احترام یعنی چی؟ یعنی هرچی تو گفتی من بگم چشم؟

فراخوان



بی تعارف و تکلف ، مثل همین متن کوتاه‌ی که می‌بینید. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره ، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کارکاتوره و طراخی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح‌تان که آماده شد یک تماس با شماره ۳۳۰۳۳۲۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.

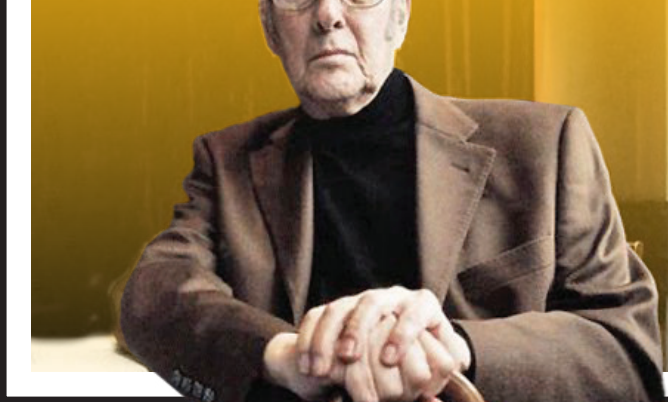
تقویم سالروز

سکوت های طولانی آقای نویسنده

خواهد گذشت؟ یا پدر باز خواهد شد و کسی به درون خواهد آمد؟
با وجود این، نوبل ادبیات ۲۰۰۵ خلیلی‌ها را شگفت‌زده کرد. با وجود رقیبان سرسختی مثل «اورهان یاسوک» ترک و «آدونیس» سورری، نوبل را دادند به «هارولد پینتر» انگلیسی و این یعنی دومین نوبل ادبیات در مدت کمتر از هسسال برای ادبیات نوی انگلیس. خلیلی‌ها با آرامش خاطر این مسئله را به تراز نتایج چنین است که اگر می‌خواهیم یک

دادند؛ به آن انتقادهای صریحی که نسبت به سیاست‌های آمریکا در جنگ عراق داشت. ولی بنیاد نوبل در بیانیه خود نوشت: «پینتر تئاتر را به اصالت خود برگرداند؛ فضایی محصور و دیالوگ‌هایی غیرقابل پیش‌بینی». سرطان مری پینتر نگذاشت که در مراسم اهدای جایز برکت کند و بیانیه‌اش به نام «فضای پینترسک» (Pinteresque) و سبک منحصر به فردش، «کم‌دلی تهدید» یا نمایشنامه‌های او مثل «اتاق»، «سرآبدار»، «جشن تولد»، «بازگشت به خانه» و... وارد ادبیات نمایشی شد.

پینتر خودش هم نمی‌داند چه اتفاق لعنتی‌ای زندگی‌اش را تحت‌تأثیر قرار داد. از نظر او تنها چیزی که ارزش گفتن دارد، این است که در ۱۳سالگی عاشق شده است. او درباره آثارش می‌گوید: «تا آدم، در یک اتاق، اغلب ذهن مرا به‌خود مشغول می‌کنند. در صحنه پسرده بالا می‌رود، اتفاقی است و تا آدم در آن و این برای من به‌صورت سؤالی قابل تعمق در می‌آید. بر این ۲ نفر چه



عقل چیست؟»

دوشنبه

باشگاه نویسندگان

«ترها» و «ترین»‌ها و رسانه‌ها



عبیسی محمدی

روزنامه‌نگار

دنیای امروز ما، دنیای اطلاعات و ارتباطات و البته رسانه‌هاست.

رسانه‌ها هم که انواع ریز و درشت دارند و همه‌جوره زندگی‌های ما را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. اما رسانه‌ها با ذهن و دنیا و سبک زندگی ما چه می‌کنند؟ این همان چیزی است که پژوهشگران ارتباطات و رسانه و...، بارها و بارها به سمت و سویش رفته‌اند تا درباره‌اش بیشتر تحقیق کرده و بیشتر پژوهش کنند و به عمق ماجرا بیشتر پی ببرند.

یکی از عجیب‌ترین و خاص‌ترین تأثیراتی که رسانه‌ها روی مغز و ذهن ما می‌گذارند، بحث مقایسه است. در این‌باره بسیار گفته‌اند و حتی ما نیز بسیار گفته‌ایم. رسانه‌ها معمولاً از تکنیک بزرگنمایی به‌شدت استفاده می‌کنند تا منظورشان را برسانند و هدف‌شان را پیش ببرند. مثلاً یکی از مواردی که درباره‌اش بزرگنمایی می‌کنند، بحث افراد به‌شدت موفق و البته چهره‌ها و تا حدودی ورزشکاران و سلبریتی‌هاست. در واقع یکی از تأکیدات رسانه‌ها، بحث «ترین‌ها» است؛ یعنی در هر حوزه‌ای به دنبال ترین‌ها هستند؛ بزرگ‌ترین بازیگر، بزرگ‌ترین تاجر، بهترین فیلم‌ها، بزرگ‌ترین ورزشکاران، سریع‌ترین دوندۀ، بامزه‌ترین کم‌دین و... به واقع با عطف و توجه به عنصر دیگر رسانه‌ها، ارزش خیری بزرگی و همچنین شهرت و ندرت و استثنا، سعی می‌کنند که مطالب‌شان را به خورد ما بدهند. حالا کاری به فرآیند این قصه نداریم؛ بحث ما نتیجه کار است، اینکه تمرکز کرده‌اند روی «ترین‌ها». این تمرکز در درازمدت و حتی در زمانی‌نه چندان طولانی، باعث می‌شود تا مدام خودمان را با این افراد مقایسه کنیم. به نوعی، رسانه‌ها درگیر الگوسازی از این افراد هستند و طبیعی است که روی ما اثرگذار خواهد بود.

به‌عبارت بهتر، ما معمولاً پیرو تأثیراتی‌که از این روند رسانه‌ها دریافت می‌کنیم، دوست داریم که «ترین» باشیم یا جزو «ترین‌ها». این، همان نکته‌ای است که انرژی روانی و احساسی زیادی از ما می‌گیرد. اما چرا از ما انرژی می‌گیرد؟ چون که اصل این مقایسه و ماجرا و ماهیت این میدانی که برای رقابت انتخاب کرده‌ایم، به‌شدت انرژی‌پر است؛ چراکه اساساً واقعی نیست. اما چرا واقعی نیست؟ چون که ما هم خط آغازی را انتخاب کرده‌ایم که یکسان نیست، هم افرادی را انتخاب کرده‌ایم برای مقایسه که با ما یکسان نیستند و هم در مسیری هستیم که مشخص نیست درست است یا نه. همین‌ها باعث می‌شوند تا ما با پدیده‌ای واقعی و طبیعی روبه‌رو نباشیم و به‌واسطه تمرکز روی پدیده‌های خیالی و توهمی، همیشه در حال رنج و خستگی روحی و روانی و احساسی باشیم.

به واقع ماجرا درست مثل ماجرای رویا و هدف می‌ماند؛ رویا یعنی هدف‌هایی که صرفاً تصور می‌شوند و هیچ فوریتی و زمانی برای رسیدن‌شان وجود ندارد. به‌ه واقع رویا، همان ایده آرزوست. آرزو به قول فلاسفه، چیزی است که از نظر عقلانی، مقدمات رسیدن به آن فراهم نیست. یعنی من الان یک آدم خسته و استخوانی و لاغر هستم که کلا عادت به ورزش منظم و ثبات قدم در این زمینه نداشته‌ام، یک‌دفعه تصمیم می‌گیرم که قوی‌ترین وزنه‌بردار جهان بشوم. البته روی کاغذ شاید این امر شدنی باشد، اما از نظر عقلانی این درست نیست و به‌خاطر همین یک رویا و یک آرزوست. آرزوها نیز سراسر کاهنده و خورنده انرژی‌های ما هستند و ما را بیشتر خسته می‌کنند. اما هدف، چیزی است که متناسب با دستاوردهای قبلی‌مان انتخاب کرده‌ایم. از نظر عقلانی نیز شدنی به‌نظر می‌رسد. یعنی مقدمات و گام‌های اولیه آن کاملاً عقلانی است. مثل اینکه الان یک مغازه یا دو کارگر دارم، ولی تصمیم گرفته‌ام مغازه‌ای دیگر با همین کسب‌و کار ایجاد کنم و دو کارگر دیگر اضافه کنم. این، با توجه به تجربیهایی که قبلاً داشته‌ام شدنی به‌نظر می‌رسد؛ درحالی‌که اگر می‌خواستیم کارخانه‌ای با دو هزار آدم راه بینداز، شدنی به‌نظر نمی‌رسید و بیشتر یک خیال‌پردازی بود.

خب، تا بدین جا نتیجه چنین است که اگر می‌خواهیم یک «ترین» باشیم یا جزو «ترین‌ها» قرار بگیریم، مدام خسته می‌شویم و انرژی‌مان را از دست می‌دهیم. چرا که هم آدم مقایسه و هم مسیر مسابقه و هم خط آغاز آن ... غیرواقعی و غیر عقلانی است و این کار بیشتر یک رویاپردازی است. پس برای کسانی که می‌خواهند پیش بروند و به توسعه فردی برسند، چه اتفاقی باید بیفتد که نه کاهنده و خورنده انرژی و احساسات و... باشد و نه غیر عقلانی؟ تنها راه‌حل ماجرا، حذف یک «ی» و «ن» است؛ یعنی‌ترین تبدیل به‌تر می‌شود. یعنی شما تصمیم می‌گیرید که یک آدم منظم باشید، نه منظم‌ترین آدمی که در این شهر و کسب‌وکار هست؛ یعنی شما تصمیم می‌گیرید که صورت‌تر باشید، نه صورت‌ترین آدم. وقتی شما تصمیم می‌گیرید که در یک حوزه‌ای «...تر» باشید، یعنی که نسبت به گذشته خودتان در حال مقایسه هستید و مسابقه هستید و این بهترین اتفاق است. همه‌چیز شدنی است و معقول؛ همه‌چیز قابل چر تکه انداختن و دودوتا چهارتا کردن است. اما وقتی تصمیم می‌گیرید که خواننده‌ترین و ورزشکار‌ترین و منظم‌ترین و بیشترین و... باشید، خودتان را وارد باتلاقی می‌کنید که عملاً فقط باعث فروت رفتن تان می‌شود؛ نه فراتر رفتن تان.

شاید مقایسه‌بین‌ترترین بودن، چندان برای شما نکته عجیبی نباشد، اما به واسطه پشتوانه فلسفی و ذهنی و اجتماعی...، که دارد، به‌شدت تعین‌کننده است. رسانه‌ها مدام به ما می‌گویند این جماعتی که «ترین‌ها» را تشکیل می‌دهند، الگوهای خوبی هستند؛ حتی اگر نخواهند که مستقیم این حرف را بزنند. پس ما لاجرم به سمت و سوی «ترین» بودن می‌رویم. این درحالی‌است که «ترین» بودن یک فریب و سرباب تمام‌عیار است. نقطه مقابل آن «تر» بودن است؛ یعنی شما نسبت به وضعیت قبلی خودتان کمی بهتر می‌شوید؛ چیزی که هم شدنی است، هم عقلانی، هم قابل اندازه‌گیری و تعقیب کردن. در این صورت رسانه‌ها نمی‌توانند تأثیری روی شما بگذارند و یک سبک زندگی متعادل و سالم و خوب خواهید داشت؛ که در آن خبری از انرژی‌خواری و احساس‌خواری نیست. غالباً با چنین شیوه‌هایی است که به جنگ روانی رسانه‌ها می‌شود رفت تا کمترین اثر را در سبک زندگی‌های ما بگذارند. به‌نظر می‌رسد راه‌حل‌های جالب و کارساز می‌باشند، نه؛